



The Managerial Challenges in the Islamic Community Based on the Sermon of Ghadir*

Ali-Agha Safari* & Mirzamuddin Gadoev*

Abstract

The Sermon of Ghadir is a significant managerial document of Prophet Mohammad (PBUH) in his role as the leader and guide of the Islamic Ummah and humanity as a whole. This sermon offers a thorough framework of logic, principles, and challenges concerning the growth, advancement, and overall progress of humanity, as well as of communities, governments, and organizations. The mission assigned to the Prophets, Imams (AS), and virtuous individuals is articulated in this sermon. This article seeks to identify and analyze the leadership challenges within the Islamic community, drawing on the relevant elements of the Sermon of Ghadir to establish a framework of managerial challenges. The primary challenges identified include a scarcity of virtuous individuals, a rise in hypocrites, the machinations of critics, jealousy stemming from Imam Ali's (AS) close association with the Prophet (PBUH), the denial of truth and resistance to the leadership of the Prophet's family, the effort to create a divide between the Quran and the Ahl al-Bayt, the violation of covenants, a regression to pre-Islamic (Jahiliyya) ideologies, and the presence of Kharijites, Qasites, and Nasibis within the community. These elements constitute the fundamental managerial challenges within the Islamic community, which are inferred and detailed through the interpretation of the key sections of the Sermon of Ghadir. The managerial challenges discussed in this paper are further corroborated by evidence from Quranic verses and Hadith collections, which are documented herein.

Keywords: Management, Prophetic Leadership, Islamic Community, Sermon of Ghadir, Managerial Challenges.

*. Received: ۱۰/۰۳/۱۴۰۳ SH (۲۹/۰۵/۲۰۲۳ CE) and Accepted: ۰۲/۰۵/۱۴۰۳ SH (۲۲/۰۷/۲۰۲۳ CE).

*. PhD in Quranic Sciences, Specialization in Management, Assistant Professor at Al-Mustafa International University: a.a.safari۱۳۶۴@gmail.com.

*. PhD Graduate in Quranic Sciences (Specialization in Management), Al-Mustafa International University: mirzamuddingadoev@gmail.com.



چالش‌های مدیریتی جامعه اسلامی بر اساس خطبه غدیر*

علی آقا صفری* میرزامالدین گادوئف*

چکیده

خطبه غدیر یکی از اسناد مدیریتی پیامبر خاتم (ص) به عنوان راهبر و هادی امت اسلامی و جامعه انسانی است. این خطبه، ترسیم جامعی از منطق، مبانی و چالش‌های رشد، تعالی و پیشرفت همه‌جانبه انسان (و نیز جامعه، حکومت و سازمان‌ها) می‌باشد. رسالت و مأموریتی که به عهده پیامبران و امامان معصوم (ع) و انسان‌های مؤمن و صالح گذاشته شده است. در این نوشتار تلاش شده است چالش‌های مدیریت و رهبری جامعه اسلامی بر اساس تحلیل گزاره‌های مرتبط از خطبه غدیر در قالب شبکه چالش‌های مدیریتی استنباط و تبیین گردد. اندکی پاکان و فزونی چند رویان، دسیسه ملامت گران، حسادت ملازمت و همراهی مدام امام علی (ع) با پیامبر (ص)، اندیشه انکار حقیقت و مخالفت با ولایت، طراحی شکاف بین قرآن و عترت، نقض عهد و پیمان‌شکنی، بازگشت به اندیشه جاهلیت، وجود ناکثین، مارقین و قاسطین در میان امت و ... از جمله عناصر اصلی شبکه چالش‌های مدیریتی در جامعه اسلامی است که از استنطاق و توصیف و تحلیل فرازهایی از خطبه غدیر استنباط و بر اساس شواهد و تأییدات آیات قرآن و جوامع روایی تبیین شده است.

واژگان کلیدی: مدیریت. مدیریت پیامبر، جامعه اسلامی، خطبه غدیر، چالش مدیریتی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲

* دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت، استادیار جامعه المصطفی العالمیه:

a.a.safari۱۳۶۴@gmail.com

* دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی العالمیه:

mirzamuddingadoev@gmail.com



۱. بیان مسئله

بر پایه گزارش‌های قرآن و عترت، واقعه غدیر به‌عنوان یک حادثه عظیم و سترگ در جهان اسلام موجب یأس و ناامیدی کفار، اکمال دین، اتمام نعمت و رضایت الهی گردید (مأده/۳)

آنچه در غدیر خم به وقوع پیوست، به منزله سندی ماندگار و قطعنامه‌ای جهانی بود که بر اساس گزارش‌های تاریخی در حضور بیش از صد هزار مسلمان که از اطراف جهان آمده بودند، قرائت شد. این سند تاریخی به دست مبارک پیامبر اکرم (ص) امضا و در تاریخ به ثبت رسید و در سیره علمی و عملی رهبران معصوم (ع) و شیفتگان ولایت در طول تاریخ جلوه‌گر شد. (جوادی آملی، عیدی ولایت، ص ۶۱).

با عنایت به اهمیت حادثه جهانی غدیر به‌عنوان آخرین رسالت و مأموریت پیامبر اکرم (ص)، ضروری است که این واقعه از زوایای گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ تا مشخص شود چرا خداوند متعال خطاب به پیامبرش می‌فرماید اگر نصب علی بن ابی‌طالب (ع) را به دست خود انجام ندهی و ولایت را تبیین نکنی، اصلاً به رسالت الهی عمل نکرده‌ای.

جامعه نوپای عصر نزول با تهدیدها و چالش‌های جدی مواجه بود و هر لحظه امکان تشتت و انحراف آن وجود داشت که می‌بایست با طرح و تبیین چالش‌ها به مقابله با آن پرداخت؛ تا زمینه به ثمر نشستن زحمات ۲۳ ساله پیامبر اکرم (ص) فراهم شده و پایه‌های تمدن اسلامی مستحکم و استوار گردد؛ لذا آن حضرت به عنوان برترین رهبر و شخصیت معنوی و علمی جامعه بشری با ایراد خطبه غدیر در روز اعلان ولایت و وصایت امام علی (ع)، خطرات و چالش‌های که جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد معرفی نموده و مسلمانان و



جامعه جهانی را نسبت به آن تذکر و هشدار داد. در نتیجه ضروری است اندیشمندان و ژرف‌اندیشان با بررسی خطبه غدیر به واکاوی و استخراج چالش‌های جامعه اسلامی و نیز راه‌حل آن دست یابند؛ تا از این رهگذر مشکلات عصر حاضر جوامع اسلامی را حل و فصل نمایند. نگارنده در راستای پاسخ‌گویی به حل این مسئله، ابتدا خطبه غدیر را با رویکرد کشف و استنباط چالش‌های مدیریتی هشدار داده شده در این خطبه مورد کنکاش قرار داده و در گام بعدی با استناد به آیات و روایات، مسئله یاد شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

۲. پیشینه پژوهش

رویارویی با حدیث غدیر، از جمله مباحثی حیاتی جامعه‌ی اسلامی و پراهمیتی است که در نوشته‌ها و آثار علمی مکتوب شیعه‌ی امامیه بازتاب گسترده یافته و پژوهش‌های پربها و تلاش‌های علمی ارزشمندی در این حوزه صورت گرفته است. با بررسی و جستجو در منابع کتابخانه‌ای، مجلات، و سایت‌های اطلاع‌رسانی مشخص گردید که فاخرترین اثر در این عرصه «الغدیر و السنة» تألیف علامه امینی است که به صورت مبسوط حوادث و وقایع غدیر را شرح و بسط داده است. اثر دیگر قابل توجه «سروش آفتاب» تألیف سید حسین حسینی می‌باشد، مؤلف در این کتاب به صورت اجمالی به مباحث خطبه‌ی غدیر پرداخته است. از دیگر آثار نگاشته شده در این حوزه «خطابه غدیر در آئینه اسناد» تألیف محمدباقر انصاری است. این کتاب مروری بر ماجرای غدیر داشته و بررسی اسناد خطبه‌ی غدیر را در کانون توجه قرار داده است. همچنین از کتاب «موعود غدیر» تألیف اصغر صادقی می‌توان نام برد؛ چون در بخش اول این کتاب درباره سند خطبه‌ی غدیر از منابع مختلف فریقین و نیز تبیین پاره‌ای از فرازهای خطبه درباره‌ی امام علی (ع) و همچنین نظام مهدوی و فرمایش رسول اعظم (ص) درباره بازستانی حقوق ائمه (ع) و اوضاع زمان ظهور



حضرت حجت (عج) سخن گفته است؛ در کتاب‌های یاد شده و دیگر کتب مرتبط به غدیر به صورت بسته‌گریخته به چالش‌های مدیریت اشاره شده است؛ اما هیچ یک از کتب یاد شده و دیگر کتب مرتبط به غدیر با رویکرد مدیریتی به مسئله غدیر نگاشته نشده است. بنابراین پژوهش پیش رو اولین رهیافت در مورد تجزیه و تحلیل چالش‌های مدیریتی جامعه اسلامی از منظر خطبه‌ی غدیر می‌باشد.

۳. مفهوم شناسی

در طلوعه بحث لازم به نظر می‌رسد که پیش از پرداختن به تبیین مسئله جهت روایی و رونق پژوهش و نیز پایایی آن نخست واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی روشن گردد.

۳-۱. مدیریت و پیامبر

مدیریت از ضروریات اجتناب‌ناپذیر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست و از ابتدای زندگی بشر به شیوه‌های مختلف وجود داشته؛ اما دانش مدیریت پس از انقلاب صنعتی به وجود آمده است. با توجه به نقش کلیدی مدیریت در حیات بشری طی قرن‌های اخیر مورد توجه زیاد از سوی اندیشمندان و صاحب‌نظران گردیده است؛ لذا شاهد تعاریف مختلف هستیم که به عنوان نمونه به دو مورد اشاره می‌گردد «فرایند کار کردن «با» و «به» وسیله افراد و گروه‌ها برای تحقق بخشیدن هدف‌های سازمانی (هرسی و بلانچارد، مدیریت رفتار سازمانی، ص ۱۷)». «فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد. (رضائیان، اصول مدیریت، ص ۷) نقطه محوری بین تعاریف یاد شده و دیگر تعاریف ارائه شده در کتاب‌های مدیریت این است که مدیریت، یک پدیده انسانی سه وجهی (هنر و علم و فن اداره) یک مجموعه، جهت نیل به اهداف سازمانی با توجه به منابع و امکاناتی که دارد از طریق وظایف و فعالیت‌هایی مشخص شده می‌باشد.



با عنایت به اینکه مدیریت پیوند ناگسستنی با حیات بشری داشته و رسالت پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز تعالی و تکامل انسان‌ها است می‌توان گفت پیامبر اعظم (ص) در مدت انجام تکالیف الهی، الگوی مدیریتی ارائه کرده و در آن به تمام ابعاد زندگی فردی اجتماعی، جسمی، روحی، دنیوی، اخروی، عقلی، عاطفی و احساسی انسان‌ها توجه کامل داشته است. بر اساس گزارش کلام وحی الگوی وی مورد تأیید و تصدیق خداوند قرار گرفته «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱)، و مشتمل بر مؤلفه‌های الگوهای انبیاء پیشین است ولی با توجه به عظمت پیغمبر اکرم (ص)، شرایط و اقتضائات دین خاتم جامعیت بی‌مانند دارد. آموزه‌های دینی و گزاره‌های تاریخی حاکی از آن است که در جامعه‌ی که شاخصه‌ی اساسی آن جاهلیت و نادانی بود پیامبر اعظم (ص) توانست دگرگونی و تحول بنیادین ایجاد کند و سنت‌های باطل، رسوم عاقل، آداب آفل و افکار فائل آن‌ها را درهم شکند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۴۵)، و با مدیریت مؤثر و کارآمد، رفتارهای نامطلوب، ساختارهای ناکارآمد و رویه‌های نادرست را از بین برد و در کمترین زمان از مردم جاهل و بادیه‌نشین یک ملت و پیروان نمونه (موحد، مجاهد، مصمم، پرانگیزه و ایثارگر) بسازد. این امت در اندک زمانی با رهبری و هدایت‌گری (مدیریت) پیامبر اکرم (ص) چنان قدرت، شوکت و شهرت کسب کرد که ابرقدرت‌های آن روز جهان همانند روم و ایران شگفت‌زده شدند و با پی‌ریزی تمدن بزرگ و فرهنگ غنی اسلام فصل نوینی را در تاریخ انسانیت گشود.

۲-۳. جامعه اسلامی

واژه جامعه مؤنث جامع و اسم فاعل از کلمه «جمع» و در لغت به معنای جمع کننده، طوق، غل، گردآورنده و غلی که بر گردن و دست نهند آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۴۹/۱) در اصطلاح این واژه باوجود کاربرد فراوان خود هنوز تعریف جامع و مانع نیافته است (ر.ک: ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۰۶) از این رو یکی از واژگان مبهم و کلی در میان اندیشمندان اجتماعی



شناخته شده است (ر.ک؛ باتامور، ۱۳۵۷: ۱۲۴ و کولد و گولب، ۱۳۷۶: ۲۸۷). این ابهام تا جایی گسترش یافته که گاه با واژگانی مانند «ملت»، «امت»، و مفاهیم دیگری، حتی با مجموعه گسترش یافته‌ای در دوره قابل ملاحظه‌ای از زمان، یعنی «تمدن» نیز مترادف شده است و گاه برخی عالمان اجتماعی، آن را صرفاً به اجتماع‌های بزرگ اطلاق کرده‌اند که رابطه‌ای پیکرینه (آرگانیک) میان اجزاء و بافت‌های متشکل آن برقرار است و جوامع کوچک‌تر را که به مرحله مدنیت نرسیده‌اند، جماعت، گروه، دسته و... نامیده‌اند (ر.ک؛ کینگ، ۱۳۵۵: ۲۰۱).

در عرف نیز هر موردی که بتواند برای گروهی از مردم، وجهی جامع و جهت وحدتی اعتبار کرد، اطلاق لفظ جامعه بر آن رواست. باوجود اختلاف نظرهای فراوان در تعریف اصطلاحی این واژه به برخی از مهم‌ترین تعاریف اشاره می‌شود. برخی می‌گویند: جامعه به وضع و حالت انسان‌ها یا حیواناتی گفته می‌شود که بر پایه قانونی مشترک زندگی کنند. لوکرس می‌گوید که جامعه یک ابداع انسانی است و هابز معتقد است که جامعه نتیجه قراردادی است که بر اثر جنگ دائمی پدید آمده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۶) برخی دیگر سنت‌ها، عبادات، رسوم، شیوه زندگی و فرهنگ مشترک را عناصر اساسی در تعریف جامعه برشمرده‌اند. عدّه‌ای وحدت جزئی جسمی، روانی و اخلاقی بین موجودات هوشمند، برخورداری از حکومتی پویا، فراگیر و کارآمد، یا هدف، سرزمین و فرهنگی مشترک و پیوندهای زیستی، فنی و فرهنگی را مهم دانسته‌اند (ر.ک؛ بیرو، ۱۳۶۶: ۳۸۸-۳۸۷) و عدّه‌ای آن را به جمع شدن ارادی افراد برای به دست آوردن امتیازهای مستقیم و غیرمستقیم تعریف کرده‌اند (ر.ک؛ سووه، ۱۳۵۸: ذیل واژه جامعه و گولد، ۱۳۷۶: ۲۸۸). در یک نگاه کلی، می‌توان جامعه را عبارت از مجموعه انسان‌هایی دانست که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده‌اند و در یک



زندگی مشترک غوطه‌ورند (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۷: ۳۳۳) و روابط گوناگون مشترک، متقابل و نسبتاً پایداری آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد (ر.ک؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی...، ۱۳۷۳: ۳۴۹) و هدف واحدی آنان را گرد هم آورده است (ر.ک؛ صلیبا، ۱۳۷۰: ۱۵۲).

اما جامع‌ترین تعریفی که از جامعه اسلامی که تحت حاکمیت حاکم جامع‌الشرایط اسلامی اداره می‌شود، این است که: جامعه دینی، جامعه‌ای است «دین‌باور»، «دین‌مدار»، «دین‌داور» و «مطلوب دین» (ر.ک؛ میرمدرس، ۱۳۸۷: ۲۰۹ و ۲۱۰).

چنین جامعه‌ای دارای ویژگی‌های چندی است:

۱. دین‌باوری و اعتقاد به آموزه‌های دینی؛
۲. تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت‌مداری)؛
۳. دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را بر نمی‌تابد. سر آن این است که از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، هر جامعه‌ای تنها حکومتی را بر می‌تابد که با نظام ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های سازگار باشد. از این رو جامعه دینی، قطعاً با نظام مبتنی بر ارزش‌های سکولار سازگاری ندارد (نظام دینی)؛
۴. در جامعه دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می‌کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند (دین‌داوری)؛
۵. چنین جامعه‌ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین) که از آن به جامعه اسلامی می‌توان یاد نمود.

بر پایه گزارش‌های قرآن کریم برجسته‌ترین ویژگی‌های جامعه اسلامی موارد ذیل

است:



۱- ایمان به خدا. دغدغه اصلی اسلام این است که عقیده و باور مشترک بین انسان‌ها ایجاد نماید. (آل عمران/۶۴) قرآن کریم در این آیه شریفه یک ندای وحدت و اتحاد سر می‌دهد و از همه پیروان دعوت می‌کند در زیر چتر این اصل مشترک جمع شوند. در صورت نهادینه شدن این اصل جامعه انسانی و اسلامی شاهد برکات مادی و معنوی خواهند بود. (اعراف/۹۶)

۲- برخورداری از روحیه اخوت و برادری. بر اساس نص صریح قرآن کریم جامعه اسلامی جامعه برابری و برادری است (حجرات/۱۰) اگر چنین روحیه‌ای حاکم گردد آن جامعه دیگر نظاره‌گر ظلم و ستم و چپاول و یاغی‌گری و طاغی‌گری نخواهد بود. بلکه در پرتوی اخوت اسلامی دشمنی‌ها و کدورت‌ها اصلاح و ترمیم می‌گردد.

۳- حاکمیت ارزش‌های اخلاقی. ریشه پلیدی‌ها و رذایل نفسانی پیروی از هوا و هوس و تمرد از اوامر و نواهی است. اما مهار کردن و محدود نمودن آن سبب رستگاری آدمی می‌گردد. (نازعات/۴۰؛ نبأ/۳۱)

۴- تدبیر معیشت و رعایت اقتصاد (هود/۶۱؛ سبأ/۱۵)

۵- گسترش علم و دانش (بقره/۱۶۴)

۶- برخورداری از حکومت اسلامی (بقره/۲۵۱؛ ص/۲۵) و...

با توجه به تعاریف و توضیحات یادشده مراد از جامعه اسلامی در این نوشتار جامعه‌ای است که احکام الهی در آن اجرا می‌شود و رشد و تعالی و تکامل انسان و رسیدن او به غایات عالی و هدف اساسی خلقت در آن جامعه محقق می‌گردد.

۳-۳. چالش مدیریتی



از آن جا که واژه چالش مدیریتی از دو کلمه چالش و مدیریت ترکیب یافته است، جهت فهم آن باید این دو واژه معنا شده و با توجه به آن چالش مدیریتی را تعریف نمود.

«مدیریت» که معادل لاتین آن «management» است در کتب لغت به معنای توانایی و شایستگی اداره جایی یا رهبری و کنترل فعالیت‌های در حال انجام برای رسیدن به هدف‌های موردنظر، اداره کردن، لیاقت، شایستگی، توانایی، اداره‌کننده یا اداره‌کنندگان یک اداره، سازمان و شرکت، ذکر شده است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۲۵: ۴۴ / ۴؛ معین، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۹۷۳؛ حسن انوری، ۱۳۷۱) و در اصطلاح تعاریف متعدد و متنوعی مطرح شده به یکی از مهم‌ترین آن اشاره می‌شود: «فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی موردقبول، صورت می‌گیرد. (رضائیان، ۱۳۹۱: ۷). نقطه اشتراک بین این تعریف و دیگر تعاریف ذکر شده در کتاب‌های مدیریت این است که مدیریت، چیزی جز هنر یا علم اداره یک مجموعه، جهت نیل به اهداف سازمانی با توجه به منابع و امکاناتی که دارد از طریق وظایف و فعالیت‌هایی مشخص شده نیست. در آیات شریفه قرآن کریم کلمه مدیر ذکر نشده ولی به کلمه «مدبر» و «یدبر» اشاره شده است که می‌توان به‌عنوان نمونه به آیات ذیل اشاره نمود: «قَالُمَدَبَّرَاتٍ أُمَرَاءُ» (نازعات: ۵) یعنی تدبیر کنندگان کار[ها]؛ «يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ» (سجده: ۵) یعنی کارها را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند؛ «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ» (یونس: ۳) یعنی درواقع پروردگار شما، خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [و دوره] آفرید سپس بر تخت (جهان داری) تسلط یافت، [و] به تدبیر کار[ها] پرداخت برخی از مفسران نیز اشاره به مدیریت ملائکه دارند و ملائکه را مدیران جهان



مادی معرفی می‌کنند. (طریحی: ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۹۸)، البته لازمه مدیریت، تدبیر است زیرا تاکسی تدبیر کننده (مدبر) نباشد، نمی‌تواند مدیر باشد.

«چالش» با توجه به اینکه واژه چالش جزو مفاهیم و واژگان نوظهور می‌باشد هنوز تعریف جامع و کاملی از آن ارائه نشده است ولی می‌توان تعریف معیار برای «چالش» با استفاده از معنای لغوی «چالش» و Challenge و نیز برخی عناصر معنایی متبادر از کاربرد این واژه در ادبیات اجتماعی امروز، تعریف زیر را پیشنهاد نمود. «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد» خصوصیات «چالش»، در این تعریف عبارت‌اند از: ۱- عینی بودن ۲- جدید بودن وضعیت ۳- ناظر به آینده ۴- بیرونی بودن «و غیرارادی بودن آن» ۵- اقتضای تلاشی سخت و تعیین‌کننده «که ناشی از فراگیر بودن و به مبارزه طلبیدن کل جامعه است» (ر.ک: ذوعلم، ۱۳۸۴: ۳۵).

با توجه به تعاریف ذکر شده می‌توان گفت مراد و مقصود از چالش مدیریتی، همان مسائل و مشکلاتی است که از درون و برون سازمان را تهدید می‌کند و از مهم‌ترین عوامل عدم موفقیت اجرایی برنامه‌های آن می‌باشند. بنابراین ضروری است که اندیشمندان و متفکران هر جامعه در هر عصر و مصری، سعی و تلاش کنند تا بتوانند در مرحله اول چالش‌ها را شناسایی کنند و در گام بعدی درصدد درمان آن گام‌های محکم و استوار بردارند. تا با شناخت و درمان این مشکلات، راه زندگی اجتماعی را هموارتر نمایند. این مقاله، از طریق بازخوانی خطبه غدیر نشان داده است که پیامبر اکرم (ص) در حوزه نظر و عمل جامعه اسلامی را با چالش‌های مدیریتی جدی از بیرون و درون مواجه می‌دانسته است که در ذیل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.



۴. چالش‌های جامعه اسلامی بر اساس خطبه غدیر

بر پایه گزارش‌های گهربار نبی گرامی اسلام (ص) در خطبه غدیر، جامعه اسلامی با چالش‌های مدیریتی جدی مواجه بوده است که برجسته‌ترین آن‌ها در ذیل به صورت مختصر و مفید مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند:

۴-۱. کمی پرهیزگاران و فزونی منافقان

یکی از چالش‌های جامعه اسلامی که موجب نگرانی پیامبر گرامی (ص) نسبت به آینده امت گردیده بود مسئله «کمی پرهیزگاران و فزونی منافقان» بوده است که حضرت در خطبه غدیر از آن تعبیر به «بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ» نموده‌اند. خطر منافقان به قدری جدی است که نبی مکرم اسلام (ص) در بیان دیگرشان می‌فرمایند: «من برای امت خود از مؤمن و مشرک نمی‌ترسم، زیرا مؤمن را ایمانش مانع (از لطمه زدن به جامعه اسلامی) می‌شود و مشرک را نیز همان کفرش سرکوب می‌کند. اما ترس من برای شما از منافقان زبان‌بازی است که حرف‌هایی می‌زنند که شما بدان اعتقاد دارید و کارهایی می‌کنند که شما به آن‌ها اعتقاد ندارید» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۱۰). نبی اعظم (ص) در این خطبه غدیر پرده از روی چهره فریبنده و مکار و حيله‌گر منافقان برداشته می‌فرماید: «يَقُولُونَ بِاللَّيْسَتْهُمْ مَالِيَسَ فِي قُلُوبِهِمْ»، ای مسلمانان بدانید و آگاه باشید که منافقان به زبان می‌گویند آنچه را که در دلشان نیست. یعنی صداقت در گفتار ندارند پس قابل اعتماد نیستند. بر پایه این کلام و حیانی منافقان به عنوان یک خطر جدی در جامعه اسلامی وجود دارند و به طبع در سازمان‌ها و ادارات اسلامی هم وجود خواهند داشت. بنابراین می‌توان گفت سازمان‌های اسلامی با یک چالش اساسی و فوق‌العاده خطرناک مواجه هستند و باید برای پیشگیری از پیامدهای مخرب و ویرانگر آن راه‌حل‌های مناسب اتخاذ نمایند.



مسئله یادشده درد همیشگی جوامع بشری (به‌ویژه جوامع ایدئولوژیک) در هر عصر و مصری بوده است. از آنجا که زشتی و عواقب شوم آن انسان‌ها و ملت‌ها را به جان هم می‌اندازد و سبب نابودی و فروپاشی آن‌ها می‌گردد کلام وحی به تفصیل در حدود ۱۴۷ آیه به نکوهش و مذمت آن پرداخته و یک سوره از قرآن کریم را نیز به نام «منافقون» نام‌گذاری کرده است. این خود دلالت می‌کند که نفاق و منافقان پست‌ترین موجودات جامعه هستند و مسلمانان باید لحظه‌ای از دسیسه آنان غافل نباشند.

هشدارها و تذکرات ذکرشده در قرآن کریم هم متوجه خود منافقان و انسان‌هایی است که در معرض ابتلای به آن‌اند و هم خطاب به جامعه‌ای که وجود چنین منافقانی آن را آزار می‌دهد، و گاه از آن غافل است.

اینکه نفاق چیست و منافقان چه کسانی هستند و چه ویژگی‌ها و خصوصیات دارند و راه‌های درمان این بیماری چیست و... درآیات و روایات و منابع مرتبط به این موضوع به تفصیل سخن گفته شده و صاحب قلم از تکرار مکررات اجتناب نموده، در حد اجمال بعضی از ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی این گروه را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

قرآن کریم در راستایی پرده‌برداری از چهره منفور و مطرود منافقان و معرفی آنان می‌گوید: «و هنگامی که آنان را می‌بینی، بدن‌هایشان تو را به شگفت می‌آورد و اگر [سخن] بگویند سخنان را می‌شنوی، چنانکه گویی آنان چوب‌هایی (به دیوار) تکیه داده شده‌اند! می‌پندارند هر بانگی بر ضد آنان است آنان دشمن‌اند، پس از آنان بیمناک باش! خدا آنان را بکشد! چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند؟» (منافقون/۴). درآیات دیگر در معرفی و شناساندن این طایفه بیمار می‌فرماید: دروغ گفتن (منافقون/۱)، فریب و نیرنگ (بقره/۹) دوستی با بیگانگان به منظور کسب عزت (نساء/۱۳۸-۱۳۹)، شرم کردن از مردم و شرم



نداشتن از خدا (نساء/۱۰۸)، تنبلی کردن و ریاکاری و در عبادات (نساء/۱۴۲)، شایعه‌پراکنی (احزاب/۶۰)، عیب‌جویی از قضا و قدر الهی (آل‌عمران/۱۶۸)، بدگویی کردن از انسان‌های صالح و سالم (احزاب/۱۹)، تلاش در جهت شیوع فساد و تباهی به نام اصلاح و نیکویی (بقره/۱۱)، خوشحالی بر مصیبت ایمان‌داران و دل‌تنگی در شادی آنان (توبه/۵۰)، چاپلوسی و زبان‌بازی (منافقون/۴)، و از جمله خصایص و مؤلفه‌های است که آنان دارند.

ازاین‌رو است که پیامبر گرامی اسلام (ص) در این خطبه که یک سند راهبردی و حیاتی برای جامعه اسلامی می‌باشد؛ نفاق و منافق را یک چالش مدیریتی اساسی جامعه اسلامی دانسته و مسلمانان را نسبت به آن تذکر و هشدار می‌دهد و علائم و نشانه‌های آن را توصیف و تشریح می‌نماید؛ تا حق جویان حق‌طلب در دام نیرنگ‌ها و سیئات آنان گرفتار و در کات آن سقوط نکنند. به نظر نگارنده مهم‌ترین راه درمان این بیماری، شناخت درست و صحیح علائم و نشانه‌های آن و به دنبال آن، پرهیز و مبارزه با آن نشانه‌هاست و قرآن و عترت هم علائم و همراه‌های درمان آن را به تفصیل بیان نموده‌اند.

۴-۲. دسیسه ملامت‌گران

یکی دیگر از چالش‌های جدی جامعه اسلامی مسئله دسیسه ملامت‌گران است که با توجه به پیامدهای فراگیر و مخرب که دارد در کلام وحی و عترت مورد توجه ویژه قرار گرفته است. البته سرزنش، و زخم‌زبان را می‌توان به چاقوی دو لبه‌ای تشبیه نمود که هم دارای جنبه‌های مثبت است و هم دارای اثرات منفی؛ اما مراد نگارنده با توجه به خطبه غدیر بعد منفی آن است.



چرایی سرزنش و ملامت گری را می‌توان در تمایز و تفاوت آراء و افکار انسان‌ها جستجو کرد؛ زیرا در کلان نظام هستی نمی‌توان هیچ عملی را نام برد که به مذاق همه‌ی انسان‌ها گوارا و شیرین باشد؛ بنابراین طبیعی است که جمعی در برابر رفتار و عملکرد دیگران موضع‌گیری نمایند و او را به خاطر کاری که خوشایند آنان نیست مورد سرزنش و نکوهش قرار دهند.

غرض آنکه عده‌ای برای تحقق اهداف شومشان از ابزار سرزنش و نکوهش استفاده می‌کنند و قرآن و سنت هم آن را به‌عنوان یک چالش جدی جامعه اسلامی می‌پذیرد ولی در راستایی خنثی‌سازی آن اذعان می‌دارند که معیار و ملاک مسلمانان حرکت و رفتار بر اساس عقل و فطرت و شریعت باشد و به سرزنش و ملامت دیگران بها ندهند. کلام وحی در این باره می‌فرماید: «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده/۵۴)، خداوند متعال در این آیه شریفه تصریح می‌کند که مؤمنان از ملامت سرزنش کنندگان، نمی‌ترسند؛ زیرا اینان در راه خدا گام برمی‌دارند و بر آن هستند تا افکار و رفتار قرآنی را در خود و جامعه گسترش دهند. پس بی‌خیال ملامت سرزنشگرانی می‌شوند که بر اساس معیارهای جاهلی، رفتار و افکار ایشان را می‌سنجند و سرزنش می‌کنند.

خداوند درجایی دیگر خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید تا کارش را بر اساس آموزه‌های وحیانی انجام دهد و توجه و اعتنایی به سرزنش دیگران نداشته باشد؛ زیرا کارش اصولاً سزاوار سرزنش نیست و ایشان هرگز مورد سرزنش نیستند؛ زیرا موافق عقل و وحی است: «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ» (ذاریات/۵۴)؛ حال که کافران سرکش حاضر به پذیرش حق نیستند، از آنان رو برگردان و اعراض کن که به خاطر این کار شایسته سرزنش



نخواهی شد بلکه آنان به خاطر نپذیرفتن و رویگردانی از حق مستحق مذمت هستند
(طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴۳/۹)

مستفاد از آیات یادشده این است که اگر شخصی در چارچوب و موازین شرعی رفتار می‌کند نباید از ملامت دیگران هراسان باشد، ولی در عین حال نسبت به مکر و حيله آنان مطلع و آگاه باشد و این را بداند که آنان با ملامت‌ها، توبیخ‌ها، تهدید درصدد مقابله و مبارزه برمی‌خیزند، از این رو است که پیامبر اکرم (ص) در خطبه غدیر یکی از چالش‌های جدی جامعه اسلامی را وجود همیشگی و دائمی افراد ملامت گر مطرح می‌کند و می‌فرماید: مسلمانان باید نسبت به دسیسه ملامت گران هشیار و بیدار باشند «وَادْغَالِ اللَّائِمِينَ»، و بدانند منکرین ولایت و امامت هیچ‌گاه دست از سرزنش، حقه، نیرنگ و ... برای انحراف و تشویش اذهان امت اسلامی بر نخواهند داشت. همان‌طور که آموزه‌های وحیانی و پیامبر ختم مرتبت به وجود شوم و میکروبی این انگل‌های جامعه اشاره می‌کند و بعد هم می‌فرماید: «وَكُفِّرْهُ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أُذْنًا وَرَعَمُوا أُنِّي كَذَالِكَ» این جماعت نسبت سخن شنو و زودباور به من می‌دادند. یعنی درواقع بالاترین اذیت ممکن را در حق حضرت روا داشته‌اند تا ایشان دست از رسالت و مأموریتش بردارد. از این رو مشخص می‌شود که وجود این گروه حقه‌باز و حيله‌گر یکی از چالش‌ها و دردهای دائمی جامعه اسلامی می‌باشد و باید در سازمان‌ها اسلامی به عنوان یک تهدید جدی محسوب شده و راهکارهای جهت درمان آن اندیشیده شود. امیر بیان علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه در وصف قداست خانوادگی خویش می‌فرماید: «وَإِنِّي لَمِنْ قَوْمٍ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَا يَمُ» (نهج‌البلاغه/ خطبه/ ۱۹۲)، من از قومی هستم که ملامت هیچ ملامتگری آنان را از راه خدای باز نمی‌دارد.



بر پایه گزارش‌های یادشده می‌توان نتیجه گرفت که دسیسه ملامت گران یکی از تهدیدهای جدی جامعه اسلامی بوده و مسلمانان ملزم به آگاهی از کید و مکر آنان می‌باشند ولی در عین حال دغدغه سرزنش شدن از سوی آنان را نداشته باشند بلکه حرکت بر اساس موازین شرعی و رضایت الهی هدف اصلی آنان باشد. با این ملاک و معیار هیچ‌گاه ملامت ملامت‌گران نمی‌تواند مانع رشد، تکامل و تعالی آنان در همه ابعاد و زمینه‌ها حیاتی فردی و اجتماعی گردد.

۳-۴. مکر مسخره کنندگان

مکر مسخره کنندگان از دیگر چالش‌های جامعه اسلامی است که پیامبر گرامی اسلام (ص) در این خطبه به آن اشاره نموده می‌فرماید «حِيلَ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ»، از دیگر موانع و تهدیدهای جدی جامعه اسلامی است.

استهزاء از ریشه «ه- ز- ع» در لغت به معنای طلب تحقیر است با هر وسیله‌ای که صورت گیرد. (مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱۱، ص: ۲۵۶)، در اصطلاح عبارت است از مسخره کردن افراد یا برخی امور با گفتار یا کردار مانند اشاره با چشم یا دیگر اعضای بدن (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۸۷). با دقت و تأمل در فرازهای خطبه غدیر فهمیده می‌شود که رسول اکرم (ص) در عین حال که نسبت به وجود فاسد این گروه در جامعه اسلامی اشاره می‌کند این مطلب را هم می‌فهماند که من نسبت به شناسایی و عملکرد آنان بی تفاوت نبوده‌ام «وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَيِّ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أُؤَمِّيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ وَأَنْ أَدَّلَ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ»؛ و در ادامه خطبه از اطلاع دقیق خود نسبت به این گروه این چنین اشاره می‌کند: «أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ»؛ از این بیانات نورانی می‌توان برداشت نمود که



مدیران در سازمان اولاً باید این جماعت را شناسایی و در گام بعدی عملکرد آنان را دقیقاً زیر ذره‌بین قرار دهند و بی‌تفاوت از کنار آنان نگذرند؛ تا بتوانند در مواقع حساس و بحرانی برنامه‌های لازمی را تدارک دیده اجرا و عملیاتی سازند.

و اگر می‌خواستم نام گویندگان چنین سخنی را بر زبان آورم و یا به آنان اشارت کنم و یا مردمان را به سویشان هدایت کنم [که آنان را شناسایی کنند] می‌توانستم.

با توجه به اینکه مسخره کردن پیامدهای روحی و روانی بسیار بدی بر رفتار و عملکرد افراد می‌گذارد در قرآن کریم به شدیدترین وجه ممکن از آن نهی شده و عقوبت‌های فراوانی برای عاملین آن در نظر گرفته شده است. به‌عنوان نمونه خداوند متعال اشخاصی را که به تمسخر دیگران می‌پردازند ظالم (حجرات/۴۹) و مجرم (حجر/۱۱-۱۲-۱۵) معرفی نموده و تصریح می‌فرماید که این طایفه به عذاب‌های شدید از قبیل هلاکت دنیوی (زخرف/۷-۸-۴۳؛ هود/۱۱؛ نحل/۳۴)، حبط عمل (کهف/۱۸-۱۰۵-۱۰۶)؛ فراموشی خداوند (جاثیه/۴۵-۳۴-۳۵)، ارتداد (توبه/۶۴-۶۶)، مورد استهزا واقع شدن (مطففین/۲۰-۳۰)؛ حسرت در قیامت (زمر/۳۹-۵۶)؛ خواری و عذاب اخروی (مؤمنون/۲۳-۱۰۷-۱۱۰) و... دچار می‌شوند.

لازم به ذکر است که استهزا و تمسخر و هرزه‌گویی، همواره یکی از حرب‌های دشمنان حق و حقیقت بوده و در طول تاریخ از این وسیله جهت براندازی دین الهی و خاموش کردن این چراغ نورانی استفاده کرده‌اند، این طایفه گاهی مؤمنان (انعام/۵۳) را استهزا می‌کردند، گاهی اولیای الهی و گاهی امام و پیامبر را (فرقان/۴۱) و گاهی نیز آیات الهی را مسخره می‌کردند (یس/۳۰). با توجه به این پیشینه سوء و استمرار آن در جامعه پیامبر اکرم (ص) در این خطبه نورانی نسبت به مکر و حیلۀ آنان هشدار داده و آن را به عنوان یک تهدید شدید برای جامعه اسلامی قلمداد کرده است.



۴-۴. ملازمت و همراهی مداوم و پیوسته علی (ع) با پیامبر (ص)

ملازمت و همراهی همیشگی حضرت علی (ع) با پیغمبر اکرم (ص) یکی دیگر از چالش‌های جدی جامعه اسلامی است که پیامبر گرامی اسلام (ص) در خطبه نورانی غدیر نسبت به آن تذکر و هشدار داده و فرموده است «مُلَازَمَتِهِ إِنِّي وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ».

تحمل این ملازمت و پیوستگی برای دیگران چنان سنگین و دشوار بوده است که حضرت ختمی‌مرتبت (ص) ریشه و علت بسیاری از اذیت و آزارهای دیگران را در آن دانسته می‌فرماید «و نیز از آن روی که منافقان بارها مرا آزار رسانیده تا بدان جا که مرا اُذُن [سخن شنو و زودباور] نامیده‌اند، به خاطر همراهی افزون علی با من و رویکرد من به او و تمایل و پذیرش او از من بوده است» در ادامه حضرت می‌فرماید کار به‌جای رسید که خداوند متعال هم درباره این موضوع آیه‌ای فرو فرستاد: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ...» (توبه/۶۱)، و از آنان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند او گوش است، و هر سخنی را گوش می‌دهد و باور می‌کند!.

نبی گرامی (ص) با این عبارات از دستان پشت پرده و برنامه‌های شوم منافقان به‌ظاهر مسلمان خبر می‌دهد و به همگان ابلاغ می‌کند که بدانند و آگاه باشند که این مکاران خدعه گر لحظه‌ای دست از دسیسه و نیرنگ و تخریب علی (ع) بر نخواهند داشت. درواقع حضرت با دل‌نگرانی تمام به مسلمانان می‌فهماند که مرا صرفاً به خاطر ملازمت و همراهی علی (ع) با گفتار و رفتار و عملکرد شومشان مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند.

پیامبر گرامی از این خصومت و دشمنی به وجود آمده بین علی (ع) و منافقان بی‌ایمان و فاسقان ضعیف‌الایمان نگران و مضطرب بود و به جامعه مسلمین هشدار و



تذکر می‌دهد که مواظب باشند فریب مکر و نیرنگ این جماعت را نخورند. بلکه برای شناخت علل و عوامل این ملازمت و همراهی به کلام وحی تمسک جویند.

ممکن است در ذهن خواننده محترم سؤال خلق شود که میزان پیوند و ارتباط پیامبر گرامی اسلام (ص) با علی (ع) چقدر بوده است که موجب این همه کینه، حسادت و عداوت گردیده است.

بر پایه داده‌های وحیانی ملازمت و همراهی دائمی آن دو عظیم‌الشان تا بدان جا بوده است که قرآن کریم در آیه مباهله، علی (ع) را به منزله جان رسول خدا دانسته می‌فرماید: «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» (آل عمران/۶۱)، علی چیزی جدایی از پیامبر (ص) نبوده بلکه جان پیامبر (ص) است از این رو است که بعضی از مفسران در ذیل این آیه شریفه گفته‌اند: «مَنْ هُمْ فِي مَوْقِعِ النَّفْسِ مِنْ حَيْثُ الْمَنْزِلَةُ وَالْمَحَبَّةُ وَالْإِعْزَازُ، وَهُوَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَنَّهُ يُمَثِّلُ الصُّورَةَ الْحَيَّةَ الصَّادِقَةَ لِكُلِّ الْكَمَالَاتِ وَالتَّطَلُّعَاتِ وَالسُّلُوكِيَّاتِ وَالْمُلْكَاتِ الَّتِي أُمَثِّلُهَا، لِأَنِّي رَبِّيتُهُ وَأَنْشَأْتُهُ مِنْذُ طُفُولَتِهِ عَلَى صُورَتِي فِي أَخْلَاقِي وَرُوحِيَّاتِي وَأَقْوَالِي وَأَمْثَالِي، فَكَانَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ، وَالذَّاتِ مِنَ الذَّاتِ، وَالرُّوحِ مِنَ الرُّوحِ، وَالْعَقْلِ مِنَ الْعَقْلِ... وَلَيْسَ هُنَاكَ فِي السَّاحَةِ غَيْرِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي عَاشَ مَعِيَ كَمَا لَمْ يَعْشَ أَحَدٌ غَيْرَهُ مَعِيَ...» (فضل الله، ۱۴۱۹: ۶/۶)

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در این باره در نهج البلاغه می‌فرماید: «... وَلَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ اتِّبَاعَ الْفَصِيلِ أَثَرُ أُمِّهِ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَيَأْمُرُنِي بِالْإِفْتِدَاءِ بِهِ...» (نهج البلاغه، خ/۲۳۴)، من مانند رفتن بچه شتر پی مادرش، پی او می‌رفتم و هرروز از خوهای خود پرچمی می‌افراشت و پیروی از آن را به من امر می‌کرد».

بر اساس آیات و روایات ذکرشده درباره پیوند و ارتباط پیامبر (ص) و علی (ع) به دست می‌آید که هیچ‌کس به اندازه امیر بیان (ع) همراه و هم‌سخن و در کنار پیامبر (ص) نبوده است و این ملازمت و همراهی‌ها باعث کینه‌توزی و دشمنی منافقین و حسادت آن‌ها



شده بود. ولی این همراهی و ارتباط مستمر و دائمی آن‌قدر برای نبی اکرم (ص) حیاتی است که آن حضرت اذیت و آزار و سرزنش را تحمل می‌کنند ولی همراهی و ملازمت با (علی) را ترک نمی‌کنند.

در نتیجه این ملازمت‌ها و همراهی‌های همیشگی منافقان و فاسقان را به تکاپو انداخته بود و پیامبر گرامی اسلام (ص) از خدعه‌ها و نیرنگ‌های آنان به‌خوبی آگاهی کامل داشت لذا در این خطبه نورانی تذکر و هشدار می‌دهد که مسلمانان باید هشیار و آگاه باشند و فریب این جماعت شوم را نخورند.

۴-۵. شک و تردید در امامت و ولایت علی (ع)

چالش شک و تردید یکی دیگر از چالش‌های جامعه اسلامی است که پیامبر گرامی (ص) در خطبه غدیر نسبت به آن هشدار و تذکر داده می‌فرماید «تردید در سخنان امروزم همسنگ تردید در تمامی محتوای رسالت من است» در ادامه هم می‌فرماید: «وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأُمَّةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ»، و شک و ناباوری در امامت یکی از امامان، به‌سان شک و ناباوری در تمامی آنان است» نتیجه چنین شکی را نیز دچار شدن به عذاب دردناک دانسته تصریح نموده است که «و هرآینه جایگاه ناباوران ما آتش دوزخ خواهد بود».

حضرت با این جملات به نحوی از آینده و حوادث محقق‌الوقوع خبر می‌دهد و به همگان می‌فهماند که درباره علی (ع) و امامت او شک و تردید خواهد شد بعد هم به پیامدها و تبعات فراگیر آن اشاره می‌کنند.

با رحلت رسول گرامی اسلام (ص) شک و تردید درباره امامت حضرت علی (ع) در بین مسلمانان به وجود آمد و دشمن خاندان عصمت و طهارت (ع) به هر نحو ممکن



پایه‌های شک و تردید را از طرق متعدد محکم‌تر و در میان بعضی کوتاه‌اندیشان و منجمدان فکری تبدیل به یقین کردند و بعضی‌ها به خاطر موقعیت و اقتضائات ولی خیلی‌ها از سر جهل و جهالت در اصل امامت شک و تردید کردند و همان هم باعث تصمیمات غلط در جامعه اسلامی عصر نزول گردید. همان‌طور که در جامعه عصر نزول خوبان و خواص در علی (ع) و اهل بیتش (ع) شک و تردید کردند امروزه هم مشاهده می‌شود که شک و تردید در جامعه اسلامی وجود داشته و یکی از حرب‌های دشمن نیز ایجاد شک و تردید و تنفر نسبت به اعتقادات و باورهای مذهبی است.

مسئله شک و تردید همان‌طور که در این خطبه نورانی مورد توجه پیامبر گرامی اسلام (ص) قرار گرفته و از آن نهی شده است در قرآن کریم و دیگر روایات نیز به آن پرداخته شده و افرادی از قوم حضرت نوح، حضرت هود، (ابراهیم/۹) حضرت صالح (هود/۶۲) حضرت موسی (هود/۱۱۰)، حضرت یوسف (غافر/۳۴)، به علت شک و تردید داشتن آن‌ها درباره رسولان و آموزه‌های وحیانی، مورد سرزنش و توبیخ قرار گرفته‌اند.

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۵۳ سوره حج، شک و تردید را «مرض قلبی» دانسته و می‌گوید: «مرض قلب» عبارت است از اینکه استقامت حالتش در تعقل از بین رفته باشد، به اینکه آنچه را باید به آن معتقد شود نشود و در عقاید حقه که هیچ شکی در آن‌ها نیست شک کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۹۲/۱۴).

در روایات نیز درباره ملامت و نکوهش افرادی که اهل شک و تردید هستند آمده است که «لَنْ يَضِلَّ الْمَرْءُ حَتَّى يَغْلِبَ شَكُّهُ يَقِينَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۹۵)، انسان هرگز گمراه نشود، مگر آن گاه که شک او بر یقینش چیره آید. همچنین در روایت دیگر می‌گویند: «عَلَيْكَ بِالزُّوْمِ اليَقِينِ وَ تَجَنُّبِ الشَّكِّ ، فَلَيْسَ لِلْمَرْءِ شَيْءٌ أَهْلَكَ لِذِيْنِهِ مِنْ غَلَبَةِ الشَّكِّ عَلَى يَقِينِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶:



۳۳)، بر تو باد ملازمت با یقین و دوری جستن از شک؛ زیرا برای دین انسان، چیزی نبودکننده‌تر از چیره آمدن شک بر یقین او نیست.

بر اساس آیات و روایات واردشده در این حوزه به دست می‌آید که شک و تردید از جمله رذایل اخلاقی است که موجب عمل نکردن به دانسته‌های یقینی می‌گردد؛ همچنین اشخاصی که اسیر و در چنگال این مرض قرار می‌گیرند در درازمدت به نوعی قساوت قلب دچار می‌شوند که کار اصلاحشان بسیار دشوار می‌گردد و مفسد آن‌ها برای دین و جامعه و خودشان خطرناک و گمراه‌کننده خواهد بود.

با توجه به این پیامدها است که پیامبر گرامی اسلام (ص) در سخنرانی رسمی روز غدیر نسبت به شک و تردید درباره امامت و ولایت علی (ع) و عواقب شوم آن به مسلمانان هشدار و تذکر می‌دهد و آنان را از هر نوع تردید و دودلی در این باره نهی می‌کند.

۴-۶. جدایی قرآن و عترت

افتراق بین کتاب و عترت اصلی‌ترین چالش جامعه اسلامی است. پیامبر گرامی اسلامی (ص) در این خطبه سرنوشت‌ساز که یک منشور راهبردی جامعه اسلامی محسوب می‌شود می‌فرماید: «إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّبِيبَيْنِ مِنْ وَلَدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»، هان مردمان! همانا علی و پاکان از فرزندانم از نسل او، یادگار گرانسنگ کوچک‌ترند و قرآن یادگار گرانسنگ بزرگ‌تر. هر یک از این دو از دیگر همراه خود خبر می‌دهد و با آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.



عدم انفکاک ثقلین «قرآن و عترت» به جهت عظمت و والایی مقام و به لحاظ نقش حساس و خطیر آنان همواره مورد توجه و اهتمام امت اسلامی بوده و می‌باشد. هشدارهای تکان‌دهنده حضرت نبوی (ص) در مورد امانت‌های الهی بعد از جریان رسالت، یعنی قرآن و عترت و اتحاد و هماهنگی بین آن دو ایجاب می‌کرد که کسانی که ایمان راستین و معاهده صادقانه با خداوند دارند، همواره به فکر این دو یادگار مهم رسالت باشند و وجود مطهر رسول‌الله (ص) را در دو جلوه قرآن و عترت ببینند و از وحدت این دو به نقش اساسی آن‌ها پی ببرند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۴۹/۱).

بر اساس آیات کلام وحی مانند «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل/۴۴)، دانسته می‌شود که معارف و هدایت‌های قرآن، از طریق اهل بیت (ع) قابل استفاده است. به عبارت دیگر هرکس که بخواهد بهره‌ای از معارف عمیق و دقیق و لایه‌های پنهانی و بطون قرآن کریم بهره‌ای نصیبش گردد چاره‌ای جز رجوع به مفسرانی که به منبع فیض الهی وصل هستند ندارد؛ زیرا قرآن کریم بیانگر فروع و جزئیات نبوده بلکه خطوط کلی دین را ترسیم نموده و تبیین و تشریح و مقصود اصلی شارع را به «عترت» واگذار نموده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) همان‌گونه که در این بیان نورانی تصریح و تأکید به ملازمت و عدم انفکاک «قرآن و عترت» می‌کند، در احادیث دیگری نیز مانند حدیث معروف و متواتر ثقلین، اذعان می‌دارند «لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵/۲)، قرآن و عترت در عین حال که معادل یکدیگرند، ملازم هم نیز هستند.

این حدیث شریف گویای تبیین پیوند ناگسستنی قرآن و عترت و گواه جدایی‌ناپذیری این دو حقیقت و احکام آن‌ها از یکدیگرند. همین پیوستگی در مقام معرفت نیز جریان دارد. ائمه (ع) برای معرفی خود از قرآن کمک می‌گیرند و برای شناساندن قرآن از حقیقت



خودشان سخن می‌گویند، زیرا هیچ یک را بی‌دیگری نمی‌توان شناخت (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶۲).

نکته دیگر اینکه مراد از جدایی‌ناپذیری تقلین بدین معنا نیست که امام (ع) همواره مصحفی را به همراه خود دارد؛ بلکه به معنای عدم انفکاک امامت و وحی قرآنی از یکدیگر است؛ امامان (ع) مبین و مفسر قرآن کریم و شارح جزئیات و تفصیل و نحوه اجرای کلیات آن هستند و قرآن نیز انسان‌ها را به معصومین (ع) ارجاع و به سنت آنان بها می‌دهد. بنابراین «قرآن و عترت» هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌گردند؛ البته اراده و مشیت الهی هم به این تعلق گرفته است که این دو از یکدیگر جدا نشوند؛ زیرا مکمل و متمم یکدیگر بوده و هر یک بدون دیگری ناقص و نارساست. از این رو هیچ‌کس با هیچ اقدام و ترفندی نمی‌تواند آن دو را از هم جدا سازد. هرچند که جماعتی به یکی از دو ثقل اکتفا نموده موجب جنگ و درگیری و نزاع و کشمکش‌ها در طول تاریخ در جامعه اسلامی گردیدند و متأسفانه امروزه در قالب جریان‌های سلفی، تکفیری، وهابی و داعشی ظهور و بروز کردند. با عنایت به مطالب یادشده مشخص شد که پیامبر گرامی (ص) در تبیین و تشریح آیات و روایات بارها به پیوند و ارتباط ناگسستنی «قرآن و عترت» اشاره نموده و تمسک به آن دو را موجب رشد و تکامل انسان در حیات دنیوی و اخروی دانسته و تأکید نمودند که افتراق بین آن دو ضلالت و گمراهی افراد و سقوط و اضمحلال جامعه اسلامی را به همراه دارد.

۴-۷. بازگشت به کفر جاهلی

یکی دیگر از مهم‌ترین و برجسته‌ترین چالش‌های جامعه اسلامی که پیغمبر اکرم (ص) به مناسبت‌های مختلف در مجالس و محافل گوناگون نسبت به آن تذکر و هشدار



داده، مسئله بازگشت به دوران جاهلیت است. حضرت در این باره می‌فرماید: «فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنُهَنْ يَضْرَبَهُ اللَّهُ ضَرْبًا شَدِيدًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ».

لازم به یادآوری است که زندگی جاهلانه مفهومی کلی است که مصادیق و مراتب متفاوتی دارد؛ از مراتب سطحی و ضعیف تا عمیق و عریق دوره‌ای در زندگی عرب پیش از اسلام که از آن به دوران جاهلیت یاد می‌شود نمونه‌ای از سطح نازل آن است. این برهه سیاه‌ترین روزگار زندگانی اعراب بود که کمتر اثری از فرهنگ و تمدن بشر در آن مشاهده می‌شد (جوادی آملی، امام مهدی (عج) موجود موعود، ص ۳۲).

اینکه دوران جاهلیت چه مشخصه‌های دارد نگاشته‌های زیادی درباره شرح و بسط آن به رشته تحریر درآمده است که نگارنده از تکرار مکررات اجتناب نموده و به ذکر یک روایت از امیر بیان، علی (ع) در وصف این دوران تاریک و سیاه اکتفا می‌کند.

حضرت در این باره می‌فرماید: «وَأَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَفِي شَرِّ دَارٍ مُنِيخُونَ بَيْنَ حِجَارَةٍ خُشْنٍ وَحَيَاتٍ ضَمٍّ تَشْرَبُونَ الْكَدِيرَ وَتَأْكُلُونَ الْجَشِيبَ وَتَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَتَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنْصُوبَةٌ وَالْآثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ» (نهج البلاغه، خ ۲۶)، شما از جهت فرهنگی دارای زشت‌ترین دین و آیین بودید و از نظر معیشت در بدترین خانه‌ها زندگی می‌کردید: در میان سنگ‌های خشن و مارهای کر و ناشنوایی زندگی می‌کردید که با هیچ وسیله‌ای از حمله به انسان بازداشته نمی‌شدند. آب آشامیدنی شما تیره و غذای شما بدون خورشت و گلوگیر بود. خون یکدیگر را می‌ریختید و با خویشان خود پیوند می‌گسستید. بت‌ها میان شما بر پا و گناه سرپایتان را فرا گرفته بود.

بر این پایه یکی از نویسندگان در باره وصف جامعه جاهلی و حاکمیت فرهنگ منحط آن گفته است: «در جامعه‌های جاهلی و در حاکمیت کفر، شرک و ظلم، عقاید



اخلاق و آداب مشرکانه، نامعقول، حیوانی و غلط حاکم است و سردمداران آن جامعه‌ها با تحمیق توده مردم و ایجاد باورهای نامعقول، آنان را به بردگی می‌گیرند و خود به مسند صدارت و آقایی تکیه می‌زنند. پیامبران و مصلحان پیرو آنان در چنین جوامعی به بیدار کردن وجدان‌های خفته و زدودن زنگارهای جهل و خرافه از آینه حق‌نمای فطرت‌ها، قیام می‌کنند و تبلیغات آنان کم‌کم اثر می‌کند و عقل‌های مدفون، ظاهر و شکوفا می‌گردند و حق‌خواهی و حق‌طلبی اوج می‌گیرد» (حیدری، قیام امام حسین علیه‌السلام از منظر تکلیف دینی، شماره ۲۵)

حاصل آنکه پیامبر گرامی اسلام (ص) دغدغه‌مند و نگران مردم بود که مجدداً به این عصر برگردند؛ لذا در خطبه غدیر که منشور راهبردی جامعه اسلامی است به مسلمانان تذکر و هشدار می‌دهد که مبدا با انکار راستی و درستی من به گذشته شوم و ننگین دوران جاهلیت برگردید. از این رو با حالت نگرانی و دلواپسی خطاب به امتش می‌فرماید: «أَفَإِنْ مِثُّ أُوقِيتُمْ أَنْتَ لَبِئْتُمْ عَلَى أَغْقَابِكُمْ؟» بعد هم نتیجه چنین بازگشتی را عدم اضرار به خداوند متعال دانسته می‌فرماید: «وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنَهَانِ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ)» در ادامه به عواقب خطرناک و دردناک آن اشاره نموده اذعان می‌دارند که بدانید اگر کسی بعد از من به جاهلیت برگردد به قهقرا برگشته است «فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى».

۴-۸. حسد و کینه‌توزی

حسد در لغت به معنای خواستار زوال نعمت و سعادت دیگری (مصطفوی، و التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۲، ص: ۲۱۴)، که گاهی توأم با سعی در از بین بردن نعمت دیگران است، البته ناگفته نماند که این بدخواهی موجب رنج و عذاب صاحب آن نیز می‌گردد.



برخی از لغویان، اصل این واژه را از حَسَدَل به معنای کینه دانسته‌اند؛ همان‌گونه که کینه پوست تن آدمی را زخم می‌کند و خونسش را می‌مکد، حسد نیز با جان و روان شخص حسود چنین می‌کند. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۴/۱۴).

پیامبر اکرم (ص) در خطبه غدیر یکی از چالش‌های جدی جامعه اسلامی را مسئله حسادت و کینه‌توزی معرفی نموده می‌فرماید: «إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ»، به درستی که شیطان به خاطر حسادت به آدم او را از بهشت خارج کرد و بعد در ادامه تصریح می‌کند که «فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَزِلَّ أَقْدَامُكُمْ» از آثار و پیامدهای خانمان‌سوز این صفت رذیله این است که موجب نابودی اعمال و لغزش رفتار می‌گردد.

با توجه به اینکه حسد از بزرگ‌ترین دردهای انسانیت و خطرناک‌ترین حس در قلب و دل آدمی است، «الْحَسَدُ دَاءٌ عَيَاءٌ لَا يَزُولُ إِلَّا بِهَلِكِ الْحَاسِدِ أَوْ يَمُوتِ الْمَحْسُودُ» (نهج البلاغه، خ ۴۹۳)، در آیات فراوان مانند آیه ۵ سوره فلق، آیه ۱۹ سوره بقره، آیه ۵۹ سوره نساء، آیه ۱۲۰ سوره آل‌عمران و آیه ۳۲ سوره نساء ذکر شده و مسلمانان از آن نهی شده‌اند. همچنین در روایات فراوانی به علائم، تأثیرات، عوامل و راه‌های درمان آن نیز اشاره شده است. از آنجا که این مباحث مورد بحث و بررسی قرار گرفته و کتب و مقالات قابل توجهی نیز در این باره نگاشته شده است نوشتار حاضر از طرح مباحث تکراری خودداری نموده و با فاکتورگیری این مطالب مسئله چالشی بودن این صفت رذیله را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

آنچه که از آیات و روایات برداشت می‌شود این است که سرچشمه بسیاری از نابسامانی‌ها و درگیری‌های اجتماعی حسد است «رَأْسُ الرِّذَائِلِ الْحَسَدُ» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۳۷۷)، دلیلش هم این است که حسود تمام یا بیشتر نیروها و انرژی‌های بدنی و فکری خود را که باید در راه پیشبرد اهداف اجتماعی به کار برد، در مسیر نابودی و ویران کردن آن چه



هست صرف می‌کند، و از این رو هم سرمایه‌های وجودی خود را از بین برده و هم سرمایه‌های اجتماعی را همچنین انگیزه‌بخش اعظم فجایع و جنایات بشری از قبیل قتل‌ها، دزدی‌ها، تجاوزها و مانند آن ناشی از حسادت و کینه‌توزی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۲۳/۳). و شاید به خاطر همین است که پیامبر گرامی اسلام (ص) در لحظات پایانی عمر شریفشان به این مسئله هشدار داده و او را موجب نابودی اعمال ذکر می‌کند.

در خباثت و رذالت حسد همین بس که پیامد همه اوصاف رذیله، رنج درونی انسان است؛ ولی شعله حسد از همه افروخته‌تر است، از این رو بیش از آن‌ها دردآورتر است و به فرموده امام صادق (ع) حسد ایمان را نابود می‌کند: «إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۶)، هرچند ظاهراً آن حضرت (ع) امر معقول را به محسوس تشبیه کرده است، با دقت روشن می‌شود که حقیقت است نه تشبیه؛ یعنی تمثیل و بیان مثال و فرد است: حسد واقعاً آتش است، چون آتش تنها آن شعله‌های ظاهری نیست و آتش درون بسی سوزاننده‌تر از نار برون است. آتش ظاهری که فرد ضعیفی از نار است، اجسام خارجی را می‌سوزاند؛ ولی آتش درونی که فردی کامل از نار است، روح را می‌سوزاند. روح و نیز آتشی که او را می‌سوزاند، هر دو مجردند. (تسنیم، ۱۳۸۹: ۱۹/۱۷۹؛ ۱۸۴/۱۸۶).

با مطالعه سرگذشت جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون به دست می‌آید که بخش قابل توجهی از مصائب و گرفتارهای جامعه اسلامی ریشه در حسادت‌ها و کینه‌توزهای مسلمانان نسبت به یکدیگر داشته است که پیامبر گرامی (ص) در این بیان نورانی از آن نهی کرده و آن را به عنوان یکی از چالش‌های جامعه اسلامی معرفی کرده است. در نکوهش این خصلت رذیله همین بس که نخستین قتلی که در جهان واقع شد از ناحیه قابیل نسبت به برادرش هابیل که بر اثر انگیزه حسد چنین اتفاقی افتاد (فخر رازی، مفاتیح



الغیب، ج ۱۱، ص ۳۳۷)، و همچنین عملکرد قبیح برادران یوسف (ع) که به خاطر حسادتشان موجب اذیت و آزار پیامبر خدا حضرت یعقوب (ع) و ظلم و ستم فراوان در حق برادرانشان یوسف (ع) گردیدند؛ بنابراین می‌توان گفت سرچشمه نخستین اختلافات و قتل و تعدی و تجاوز در جهان انسانیت مسئله حسد بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۴۹/۴).

امروزه هم متأسفانه در جوامع اسلامی مشاهده می‌شود که عده‌ای همه‌چیز را برای خود می‌خواهند از آسایش و یا پیشرفت دیگران ناراحت می‌شوند. خودخوری می‌کنند و رنج خود را به صورت آزار دادن، بدگویی و کارشکنی کردن ابراز می‌کنند. به جای اینکه بکوشند تا خودشان هم پیشرفت داشته باشند، می‌کوشند تا دیگران را ساقط کنند و از ارزش بیندازند، و گاهی به این هم بسنده نمی‌کنند بلکه برای نابودی دیگران خود را نیز نابود می‌کند و این چیزی جز حسادت و کینه‌توزی نمی‌تواند باشد.

و شاید به خاطر همین است که آن را به شراره‌ای از آتش تشبیه کرده‌اند که می‌تواند، موجودیت حسود و یا جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کند به خطر بیندازد. یکی از دانشمندان می‌گوید: «حسد و بدخواهی از خطرناک‌ترین صفات است و باید آن را به منزله، موخس‌ترین دشمن سعادت تلقی کرد و در دفع آن کوشید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۲۳/۳)، زیرا مانند آتش زیر خاکستر می‌ماند که اگر آن اظهار نشود، درون شخص را می‌سوزاند و اگر آشکارش شود، دیگران را می‌آزارد، از این رو در عذاب انسان حسود سخن از شعله‌های برافروخته جهنم است: «وَكَفِيَ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا» (نساء/۵۵). غرض آنکه جوامعی که افراد آن را اشخاص حسود و تنگ‌نظر تشکیل می‌دهند، جوامعی عقب‌افتاده هستند؛ زیرا همان‌طور که گفتیم، حسود همیشه می‌کوشد تا دیگران را به عقب بکشد و این درست برخلاف روح تکامل و ترقی است.



۹-۴. منت گذاشتن

واژه «منّ» در لغت به معنای احسان، فضل، هبه و بخشش و نقص، تضعیف و سنگینی و قطع کردن و بریدن به کار رفته است (فراهمیدی، خلیل‌بن احمد؛ کتاب العین، ج ۸، ص ۳۷۴، ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۱۳، ص ۴۱۵ و مصطفوی، حسن؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱۱، ص ۱۸۲) البته اکثر لغت شناسان معنای قطع کردن و بریدن را به عنوان مؤلفه و معنای اصلی این واژه در نظر گرفته و دیگر معانی را از لوازم آن دانسته‌اند. البته برخی دیگر معنای حقیقی کلمه را ثقل و سنگینی دانسته و گفته‌اند که معانی دیگر ناظر به این نکته است و در حقیقت سنگینی، مؤلفه‌ای است که در دیگر معانی تعبیه شده است. بدین‌سان به نعمت سنگین و احسان و فضل باارزش، منت می‌گویند. به سخن دیگر، واژه «منّ» به سنگی گفته می‌شود که با آن چیزهای دیگر را وزن می‌کنند. سپس این واژه در نعمت‌های سنگین و گران‌بها و باارزش به کار رفته است. (لسان‌العرب، ج ۱۳، ص ۴۱۵-۴۱۹؛ راغب اصفهانی؛ مفردات، صص ۷۷۷-۸۷۷).

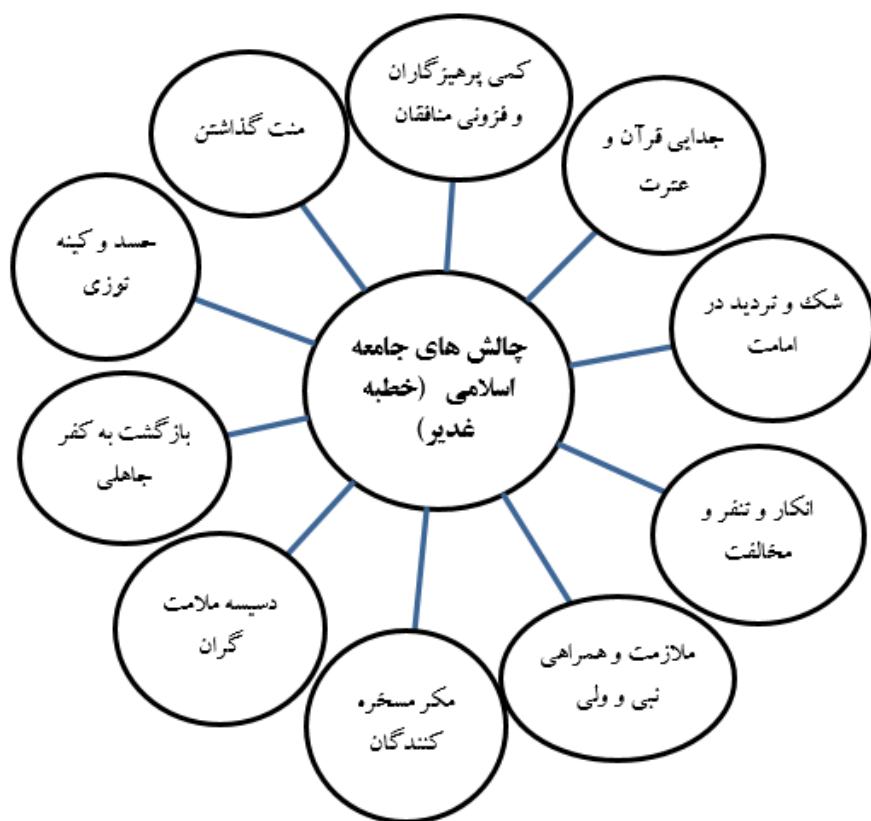
لازم به ذکر است این کلمه «منّ» از اضداد است اگر به عنوان صفت الهی به کار رود به معنای بخشش و احسان است «آل‌عمران/۱۶۴؛ قصص/۵»؛ زیرا گفتار و رفتار تحقیرگرانه را به همراه نداشته و از مصادیق نیک و پسندیده محسوب می‌شود و اگر به عنوان صفت انسانی در قرآن کریم به کار رود به معنای بازگویی احسان و گفتار و رفتار تحقیرگرانه بوده و همواره خداوند متعال مؤمنین را از ارتکاب بدان نکوهش کرده است. چرا که بروز این صفت قبیح در اعمال انسان، نشانگر وجود صفات خطرناک دیگری است که به عنوان ریشه‌های این صفت مطرح گردیده و در صورت شیوع این صفت در رفتار انسان، اثرات



بسیار زیانباری را به دنبال خواهد داشت که آگاهی از آن‌ها موجب نجات از هلاکت است
(ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۱۵/۲۵).

اینکه علل و عوامل منت‌گذاری چیست؟ قرآن کریم و سوسه‌های شیطانی (نساء/۳۸):
کفر به خدا (بقره/۳۸-۳۹)؛ انکار معاد (بقره/۲۶۴)؛ فخر فروشی و تحقیر (شعراء/۱۸) را از جمله
اسباب کلیدی این صفت رذیله دانسته و آثار و تبعات آن را نیز عدم قبولی اعمال
(مائده/۲۷)؛ تزییح و ابطال کار نیک (بقره/۲۶۴) و... می‌داند. البته روایات علاوه بر موارد فوق
دوری از رحمت الهی و لعن الهی (ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، ص ۱۹۴)؛ و محرومیت از
بهشت را نیز بیان می‌کنند (وسائل الشیعه ج ۹، ص ۴۵۳).

همان‌طور که قرآن کریم از منت گذاشتن نهی می‌کند «قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَیَّ إِسْلَامَکُمْ...»
(حجرات/۱۷)، پیامبر گرامی اسلام (ص) در این خطبه گهربار غدیر، نیز از آن نهی نموده و
آن را به عنوان یک چالش جدی جامعه اسلامی معرفی می‌کند و به صورت جدی به
عواقب و پیامدهای مخرب و ویرانگر آن تذکر و هشدار داده خطاب به مسلمانان می‌گویند:
«مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُنُّوا عَلَیَّ بِإِسْلَامِکُمْ، بَلْ لَا تَمُنُّوا عَلَی اللَّهِ فَيَحْطِی عَمَلَکُمْ وَیَسْخَطَ عَلَیکُمْ وَیَبْتَلِیکُمْ
بِشَوَاطِی مِنْ نَارٍ وَنَحَاسٍ، إِنَّ رَبَّکُمْ لَبِا الْمُرْصَدِ»، هان مردمان! اسلامتان را بر من منت نگذارید؛ که
اعمال شما را بیهوده و تباه خواهد کرد و خداوند بر شما خشم خواهد گرفت و سپس
شمارا به شعله‌ای از آتش و مس گذاخته گرفتار خواهد نمود. همانا پروردگار شما در کمین
گاه است.



الگو (نمودار) چالش‌های مدیریتی جامعه اسلامی بر اساس خطبه غدیر



نتیجه

برآیند پژوهش حاکی از آن است که یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در خطبه غدیر مسئله چالش‌های مدیریتی بوده که جامعه اسلامی در عصر نزول و پس از آن طی قرون متمادی با آن مواجه بوده است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که برجسته‌ترین چالش‌های مدیریتی جامعه اسلامی که می‌توان از خطبه غدیر کشف و استخراج نمود، عبارت‌اند از: کمی پرهیزگاران و فزونی منافقان، منت گذاشتن، جدایی انداختن میان قرآن و عترت، حسد و کینه‌توزی، ارتجاع به کفر جاهلی، دسیسه ملامت گران، مکر مسخره کنندگان، ملازمت و همراهی نبی و ولی، انکار و تنفر و مخالفت با محور حق، شک و تردید در منصب آسمانی امامت.

بدون تردید چالش‌های یادشده موجب دوری جامعه اسلامی از نیل به اهداف ترسیم‌شده در آموزه‌های وحیانی می‌شود. از سوی دیگر عدم درک و فهم درست و صحیح این چالش‌ها باعث می‌شود مدیران جوامع اسلامی نتوانند فعالیت‌ها و وظایف خود را به طور اثربخش و کارا عملیاتی سازند و هدف‌ها، سیاست‌ها و راهبردهای لازم را جهت رشد و تعالی جامعه اسلامی ترسیم کرده، رویه‌های مناسب را اتخاذ نمایند. از این‌رو ضروری است که راهبران و مدیران نسبت به درک و شناخت صحیح این چالش‌ها نیز تدوین راهبرد مشخص و مبرهن در مقابله با آن و اتخاذ استراتژی درست و راهکارهای مناسب اقدام نمایند؛ تا مدیریت جامعه اسلامی به نحو احسن و در راستای تحقق اهداف الهی آن انجام شود.

شایان ذکر است چالش‌های ذکرشده مبتنی بر دستگاه ارزشی و نظام معرفتی و بینشی می‌باشند، در صورت به ثمر نشستن این اثر در حوزه‌ی نظر به حقایق علمی جدیدی رهنمون شده و در صحنه‌ی عمل اثربخشی، کارایی و گره‌گشای‌های چشم‌گیری را برای سازمان‌های اسلامی به همراه خواهد داشت.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- (۱) ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- (۲) بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶ش.
- (۳) پال هرسی و کنت بلانچارد، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه علی علاقه بند، تهران انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷ش.
- (۴) تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
- (۵) جوادی آملی، عبد الله، امام مهدی (عج) موجود موعود، قم، مؤسسه نشر اسراء، ۱۳۸۹ش.
- (۶) جوادی آملی، عبد الله، تجلی ولایت در آیه تطهیر، قم، مؤسسه نشر اسراء، ۱۳۸۸ش.
- (۷) حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- (۸) دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
- (۹) ذو علم، علی، تأملی در مفهوم «چالش»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال چهارم، شماره ۲۶، ۱۳۸۴ش.
- (۱۰) رضائیان، علی، اصول مدیریت، سمت، تهران، ۱۳۹۱ش.



- (۱۱) ساروخانی، باقر، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان ۱۳۷۵ش.
- (۱۲) شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- (۱۳) صلیبا، جمیل، واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی، ترجمه کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، تهران، شرکت ساهمی انتشار، ۱۳۷۰ش.
- (۱۴) طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
- (۱۵) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- (۱۶) فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- (۱۷) فراهیدی خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
- (۱۸) فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ق.
- (۱۹) کینگ، ساموئل، جامعه‌شناسی، ترجمه ربیع مشفق همدانی، تهران، نشر سیمرغ، ۱۳۵۵ش.
- (۲۰) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- (۲۱) گولد، جولیوس و ویلیام ل. کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه گروه مترجمان، تهران، تهران: نشر مازیار، اول، ۱۳۷۶ش.
- (۲۲) مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
- (۲۳) مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ. تهران، انتشارات صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۸۴ش.



- ۲۴) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم، ۱۳۷۱
ه. ش.
- ۲۵) میرمدرس، سید موسی، جامعه برین: جستاری در جامعه مدنی و جامعه دینی، قم،
بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
- ۲۶) نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۸ ق.



Bibliography

Quran Karim (The Noble Quran).

Nahj al-Balaghah (The Peak of Eloquence)

- ۱) Biro, Alain, *Farhang-e Oloum-e Ejtema'i (Dictionary of Social Sciences)*, Translated by Baqer Saroukhani, Tehran: Keyhan Publications, ۱۳۶۶ SH (۱۹۸۷ CE).
- ۲) Daylami, Hasan bin Mohammad, *Irshad al-Qulub ila al-Sawab (Guiding Hearts Toward Righteousness)*, Qom: Al-Sharif al-Radi, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
- ۳) Dhou Ilm, Ali, "*Ta'ammoli dar Mafhoum-e 'Chalesh'*" (A Reflection on the Concept of 'Challenge'), Monthly Journal of Contemporary Iranian Political Thought and History, Year ۴, No. ۲۶, ۱۳۸۴ SH (۲۰۰۵ CE).
- ۴) Fadlallah, Mohammad Husayn, *Min Wahi al-Quran (From the Inspiration of the Quran)*, Beirut: Dar al-Malak, ۱۴۱۹ AH (۱۹۹۸ CE).
- ۵) Fakhr Razi, Mohammad bin Umar, *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb) (The Great Commentary: Keys to the Unseen)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE).
- ۶) Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Kitab al-Ayn (The Book of the Source)*, Qom: Hijrat Publications, ۱۴۱۰ AH (۱۹۹۰ CE).
- ۷) Gould, Julius, and William L. Kolb, *Farhang-e Oloum-e Ejtema'i (Dictionary of Social Sciences)*, Translated by a Team of Translators, Tehran: Maziar Publications, ۱st Edition, ۱۳۷۶ SH (۱۹۹۷ CE).
- ۸) Hosseini Zubaidi, Mohammad Mortaza, *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus (The Crown of the Bride from the Jewels of the Dictionary)*, Beirut: Dar al-Fikr, ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۳ CE).



- ۹) Ibn Manzur, Mohammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dar Sadir, ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۳ CE).
- ۱۰) Javadi Amoli, Abdullah, *Imam Mahdi (AJ): Mojoud-e Mou'oud (The Promised Existent)*, Qom: Esra Publications, ۱۳۸۹ SH (۲۰۱۰ CE).
- ۱۱) Javadi Amoli, Abdullah, *Tajalli-ye Velayat dar Ayat-e Tathir (The Manifestation of Leadership in the Verse of Purity)*, Qom: Esra Publications, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
- ۱۲) King, Samuel, *Jame'eh-shenasi (Sociology)*, Translated by Rabee' Mashfeq Hamadani, Tehran: Simorgh Publications, ۱۳۵۵ SH (۱۹۷۶ CE).
- ۱۳) Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Al-Kafi (The Sufficient)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, ۱۴۰۷ AH (۱۹۸۶ CE).
- ۱۴) Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir-e Nemouneh (The Exemplary Commentary)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, ۱۰th Edition, ۱۳۷۱ SH (۱۹۹۲ CE).
- ۱۵) Mir Madres, Seyyed Mousa, *Jame'eh-e Barin: Jostari dar Jame'eh-ye Madani va Jame'eh-ye Dini (The Supreme Society: An Inquiry into Civil and Religious Societies)*, Qom: Boostan-e Ketab, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
- ۱۶) Mostafavi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran (Research into the Words of the Quran)*, Tehran: Translation and Publication Agency, ۱۳۶۰ SH (۱۹۸۱ CE).
- ۱۷) Motahhari, Morteza, *Jame'eh va Tarikh (Society and History)*, Tehran: Sadra Publications, ۷th Edition, ۱۳۸۴ SH (۲۰۰۵ CE).
- ۱۸) Naraqi, Mohammad Mahdi, *Jami' al-Sa'adat (The Collector of Happiness)*, Beirut: Al-A'lami, ۱۴۰۸ AH (۱۹۸۸ CE).



- ۱۹) Paul Hersey and Kenneth Blanchard, *Modiriyat-e Raftar-e Sazmani (Organizational Behavior Management)*, Translated by Ali Alaqaband, Tehran: Ettela'at Publications, ۱۳۶۷ SH (۱۹۸۸ CE).
- ۲۰) Rezaeian, Ali, *Osool-e Modiriyat (Principles of Management)*, Tehran: SAMT Publications, ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).
- ۲۱) Saliba, Jamil, *Vaazheh-Nameh-ye Falsafeh va Oloum-e Ejtema'i (Dictionary of Philosophy and Social Sciences)*, Translated by Kazem Barg Nisi and Sadegh Sajjadi, Tehran: Sahami Enteshar Company, ۱۳۷۰ SH (۱۹۹۱ CE).
- ۲۲) Saroukhani, Baqer, *Daerat al-Ma'arif-e Oloum-e Ejtema'i (Encyclopedia of Social Sciences)*, Tehran: Keyhan Publications, ۱۳۷۵ SH (۱۹۹۶ CE).
- ۲۳) Sheikh Hur Ameli, Mohammad bin Hassan, *Wasa'il al-Shia (The Means of the Shia)*, Qom: Al al-Bayt Institute, ۱۴۰۹ AH (۱۹۸۸ CE).
- ۲۴) Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Compilation of Elucidation in Quranic Commentary)*, Tehran: Naser Khosrow Publications, ۱۳۷۲ SH (۱۹۹۳ CE).
- ۲۵) Tabatabai, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Mizan in Quranic Exegesis)*, Beirut: Al-A'lami Institute for Publications, ۱۳۹۰ AH (۱۹۷۰ CE).
- ۲۶) Tamimi Amodi, Abdul Wahid bin Mohammad, *Tasnif-e Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim (Compilation of the Apex of Wisdom and Jewels of Wisdom)*, Qom: Daftar Tablighat, ۱۳۶۶ SH (۱۹۸۷ CE).